

نگاهی به مجازات‌های سالب حیات در قانون مجازات اسلامی

آمنه رئیس‌پور^۱

کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، نورآباد ممسنی، ایران

چکیده

در قانون مجازات اسلامی انواعی از مجازات‌ها وجود دارد؛ اما آنچه که میان تمام آن‌ها نظرات و آرای متناقض و متعددی را به خود جلب کرده است، مجازات‌های سالب حیات هستند. در این میان برخی سیستم‌های قضایی به کل چنین مجازات‌هایی را از روند تعیین مجازات خویش حذف نموده‌اند و در بسیاری از سیستم‌های قضایی نیز، کاهش مجازات‌های سلب حیات قابل مشاهده است. در اینگونه مجازات‌ها، مرگ پایان کار مجرم خواهد بود و قانونگذار برای چنین جرائمی، اصلاح و بازگشت به جامعه را مدنظر قرار نداده است؛ هرچند که در قصاص، قانونگذار بخشودگی مجرم توسط اولیای دم را نیز مورد پذیرش قرار داده است. مجازات‌های سالب حیات در قانون مجازات اسلامی به چهار کیفر یعنی قصاص، اعدام، رجم و صلب تقسیم‌بندی می‌شوند. مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی مجازات‌های مذکور در پرتو قانون مجازات اسلامی پرداخته است. قصاص، اعدام، رجم و صلب مورد تشریح واقع شده و جرائم مستوجب چنین مجازات‌هایی بیان گردیده‌اند. در پایان مرجع صالح برای رسیدگی به جرائمی که مستوجب مجازات‌های سالب حیات هستند مشخص گردید.

واژگان کلیدی: مجازات سلب حیات، قصاص، اعدام، رجم، صلب

^۱ نویسنده مسئول: ameneh.r300@gmail.com

سلب حیات از دو واژه سلب، به معنای جدا کردن، و حیات به معنای زندگی کردن می‌باشد. بنابراین، سلب حیات به معنای پایان دادن به زندگی دیگری و محروم ساختن شخصی از زندگی به نحوی که حیات خود را از دست می‌دهد، است. هرچند این روش مجازات مخالفان بسیاری را به همراه داشته، ولی همچنان به عنوان مجازات قابلیت اجرایی دارد. مجازات سلب حیات، از دوران گذشته به عنوان شدیدترین مجازات برای انسان‌ها اعمال می‌شد. در قانون مجازات اسلامی برای هر جرمی مجازات تعیین شده است و به طور کلی می‌توان مجازات‌های بدنی را بر سه قسم قصاص، حدود و تعزیرات تقسیم کرد. بنابراین، بزه‌کار به تناسب جرمی که مرتکب شده است محکوم به قصاص، اجرای حد یا تعزیر می‌شود (آل طاها و همکاران، ۱۳۹۹).

با توجه به موضوع مقاله پرسش‌هایی در خصوص سلب حیات مطرح شده است اولاً: آیا مجازات سلب حیات مناسب‌ترین کیفر برای برخی جرایم است؟ ثانیاً: آیا مجازات سلب حیات سبب کاهش جرایم منجر به سلب حیات می‌شود؟ ثالثاً: آیا سلب حیات سبب عبرت آموزی دیگر افراد در عدم ارتکاب جرایم می‌شود؟ به طور کلی نظرات مختلفی در این زمینه وجود دارد که هر کدام مورد بررسی واقع شده است.

مجازات سلب حیات از قدیم الایام تا به امروز جزو مجازات‌های سنگین و چالش برانگیز محسوب می‌شده است و افراد واکنش‌های مختلفی به این روش مجازات نشان داده‌اند. در هر صورت سلب حیات، به عنوان یکی از مجازات‌های تعیین شده در مقام اجرای کیفر می‌باشد، هر چند که این روش مجازات برای بیشتر افراد جامعه قابل پذیرش نیست. انتظار می‌رود در اجرای مجازات سلب حیات شاهد کاهش جرایم باشیم، زیرا دیدگاه جامعه نسبت به مجازات‌های سلب حیات دیدگاهی بازدارنده است ولی متأسفانه از گذشته تا به امروز ارتکاب جرایم توسط افراد جامعه، حکایت از رشد فزاینده آن دارد و به تبع آن برای برخی از جرم‌ها مجازات سلب حیات تعیین شده است، نتیجتاً این نوع مجازات سبب کاهش جرایم نمی‌شود. هرچند سلب حیات به لحاظ قانونی و از منظر دین و شریعت مورد پذیرش واقع شده است و تا به امروز مجرمان به این نوع مجازات محکوم شده‌اند، پس انتظار می‌رود که این مجازات سنگین سبب عبرت آموزی برای دیگران شود ولی همچنان برخی از افراد به تناسب جرایمی که انجام می‌دهند، محکوم به سلب حیات می‌شوند. سلب حیات، محکوم را برای همیشه از صحنه زندگی حذف می‌کند و این مسئله حاکی از آن است که دیگر فرصتی برای اصلاح و آزاد زیستن ندارد. از این رو دیگر افراد جامعه باید شیوه درست زندگی را با الگوبرداری صحیح انتخاب نمایند و خود را از مسیر ارتکاب جرم و مجازات دور کنند.

به علاوه، از منظر دین مبین اسلام حق حیات یکی از حقوق الهی است که از طرف خداوند به بشر عطا شده است و انسان‌ها باید در حفظ جان خود و دیگری کوشا باشند. حق حیات، بنیادی‌ترین و نخستین حقی است که مورد توجه واقع شده است (حیدری و همکاران، ۱۴۰۱). در تمام حقوق الهی و حق الناسی هر حقی از انسان سلب شود می‌توان مجدداً آن حق را کسب نمود ولی در حق حیاتی که منجر به سلب می‌شود، غیر قابل بازگشت است و انسان برای همیشه از زندگی محروم می‌شود. انواع مجازات‌های سالب حیات را می‌توان به اعدام، رجم، قصاص و صلب تقسیم بندی کرد. اعدام نوعی کیفر و مجازاتی است که برای محکوم در نظر گرفته می‌شود. این حکم بر اساس مواد قانونی و توسط دادگاه‌های کیفری صادر می‌شود. اصولاً جرایمی که مجازات اعدام برای آنها تعیین می‌شود عبارتند از قتل‌های زنجیره‌ای، جاسوسی، سوء استفاده جنسی از کودکان و ... که از دیرباز این نوع مجازات سنگین برای اینگونه جرایم وجود داشته است.

یکی دیگر از مجازات‌های سالب حیات مجازات قصاص می‌باشد. قصاص بدین معنی است که شخص مرتکب با توجه به جرم ارتكابی و شدت آن، به قصاص محکوم می‌شود. مجازات قصاص صرفاً در جرایم عمدی تعیین می‌شود؛ از جمله تجاوز به عنف، قتل، جنایت عمدی نسبت به نابالغ و غیره. قصاص به دو نوع تقسیم می‌شود؛ قصاص نفس و قصاص عضو که هر کدام برای اجرا شرایط خاص و مربوط به خود را دارد. از دیگر موارد سلب حیات می‌توان رجم را نام برد. رجم به معنای

سنگسار کردن است و در مواقعی که زنای محصنه موجب اثبات حد جرم می‌شود مجازات رجم اعمال می‌شود. رجم در باب حدود کاربرد دارد، ولی به سبب حذف شخص از زندگی از موارد مجازات سلب حیات به شمار می‌رود. چنانچه زن و شوهر نامحرمی با یکدیگر زنا کنند محکوم به رجم می‌شوند. صلب نیز نوعی کیفر است که در برخی از جرایم برای بزهکار تعیین می‌شود. صلب یکی از مجازات‌های جرایم محاربه و افساد فی الارض است. صلب معنای به دار بستن شخص مجرم می‌باشد و به مدت سه روز در آن حالت می‌ماند بدون آنکه آب و غذا بیاشامد، بعد از گذشت سه روز چنانچه فرد در آن حالت زنده بماند و نمیرد آزاد می‌شود.

روش تحقیق

مقاله حاضر از نظر نوع کیفی است و از روش توصیفی-تحلیلی بهره برده است. در پژوهش حاضر از شیوه بررسی پیشینه پژوهشی (سنتز پژوهشی) استفاده شده است. فرضیه‌هایی مطرح شده و به تحلیل آن‌ها پرداخته شده است. جمع‌آوری داده‌ها از کتب و مقالات مرتبط با موضوع، با جستجو عباراتی چون مجازات، قانون مجازات اسلامی، قصاص، اعدام، رجم، صلب، سلب حیات و سالب حیات، مورد کاوش قرار گرفت. مقالات مرتبط با موضوع از طریق سامانه‌هایی نظیر سیویلیکا، نورمگز، گوگل اسکالر و پرتال جامع علوم انسانی انتخاب و بارگیری شدند. سپس از ترکیب یافته‌های منتخب و تحلیل و بررسی بدیع آن‌ها، با در نظر گرفتن هدف مقاله، یعنی بررسی مجازات‌های سالب حیات در قانون مجازات اسلامی، نتیجه‌گیری مناسب انجام شد. در این مقاله سعی گردید تا روش پژوهش با توجه به اهداف و پرسش‌های پژوهشی، منابع مورد استفاده، روش جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل یافته‌ها به طور دقیق و جامع ارائه گردد تا خوانندگان به دقت و قطعیت نتایج و استنتاجات، اطمینان حاصل کنند.

مجازات‌های سالب حیات

از مجازات‌های سلب حیات، می‌توان مجازات قصاص، اعدام، رجم و صلب را برشمرد. که هر یک به نوعی و با روش اجرایی خاصی سبب پایان دادن به زندگی محکوم می‌شود.

۱- قصاص

قصاص در لغت به معنای پیگیری نمودن اثر چیزی و به معنای مساوی بودن جانی و مجنی الیه، یا به اصطلاح جان در مقابل جان آمده است. از نظر فقهی به معنای استیفای اعمال جنایت بر جنایتکار است. انتقام جویی در قصاص امری است سازگار، که اولیای دم نمی‌توانند از خون پاره تن خود گذشت کنند و از اینکه قاتل به سزای عملش نرسد، به ناراحتی روحی و مشقت دچار می‌شوند و تاب تحمل زنده ماندن و سالم بودن قاتل را ندارند و نمی‌توانند نسبت به این مسئله بی‌اعتنا باشند (ملکیان، ۱۳۸۹). قصاص، از جمله مجازاتی هست که به صراحت در قانون مجازات اسلامی برای ارتکاب جرایم تعیین شده است. قصاص مجازات جدیدی نیست بلکه پیشینه‌ای طولانی در تاریخ بشر دارد. شایان ذکر است که در قانون رم که نخستین قانون مدون بشری است، حق قصاص برای قاتل وجود داشت (مزروعی، ۱۳۹۲).

جنایت به سه شکل عمد، غیرعمد و خطای محض واقع می‌شود و تنها در جنایت عمدی و با وجود شرایطی خاص، قصاص صورت می‌گیرد و تا زمانی که عمدی بودن جرم ثابت نشود، حق قصاص ایجاد نمی‌شود. از دیدگاه قانون مجازات اسلامی، اجرای قصاص برای اولیای دم حق است و به اختیار می‌توانند این حق را اعمال یا اسقاط کنند (جباری و امیری ۱۳۹۵). در برخی مواد قانون به اجرای حق قصاص، عدول از قصاص و مصالحه تصریح شده است، که به توضیح و تشریح آنها می‌پردازیم. برابر ماده ۳۴۷ قانون مجازات اسلامی صاحب حق قصاص در هر مرحله از تعقیب رسیدگی یا اجرای حکم،

می‌تواند مجانی یا با مصالحه در برابر حق یا مال گذشت کند و همچنین در مواد ۴۱۸ تا ۴۳۲ در خصوص حق قصاص و صاحب حق قصاص تصریح شده است.

۲- اعدام

اعدام در لغت به معنای از بین بردن و در اصطلاح مجازاتی است برای ارتکاب جرایم خاص. اعدام یک کیفر سنگین و پایانی است که در قانون مجازات اسلامی و قانون برخی کشورها در جرایم مهم حدی تصریح شده است. به عبارت دیگر اشد مجازات برای محکوم است. در جرایم مهمی از جمله زنا، به عنف، لواط و جرایم علیه امنیت نظیر: بغی، محاربه و افساد فی الارض مجازات اعدام به عنوان مجازات در نظر گرفته می‌شود.

مجازات اعدام فقط مختص به جرایم حدی نیست، بلکه شامل اعدام قصاصی و اعدام تعزیری هم می‌شود. اعدام قصاصی در موارد قتل عمد و با توجه به شرایط خاصی اجرا می‌شود. در اعدام حدی تمامی جرایمی که از سوی شارع مقدس معین شده در صورت ارتکاب به این جرایم، مجازات اعدام حدی تعیین می‌شود. در خصوص اعدام تعزیری این مجازات در صورت مصلحت فرد و جامعه، جهت برقراری نظم و امنیت عمومی و جرایمی که صدمه جبران ناپذیری به امنیت، اقتصاد و فرهنگ وارد می‌کنند، در نظر گرفته می‌شود. اعدام یک حکم حکومتی است؛ یعنی قتلی که مورد تایید حکومت است. مجازات اعدام در گذشته، با زجر و عذاب همراه بوده، اما اکنون هدف از اجرای اعدام قطع حیات محکوم است. بیان شد که برخی از دولت‌ها مجازات اعدام را از قوانین خود حذف کرده‌اند و به جای آن مجازات حبس ابد را در نظر گرفته و آن را جایگزین مناسبی برای کیفر اعدام می‌دانند (مرادی زاده، ۱۳۹۹).

۳- رجم

رجم در لغت به معنای کشتن فرد با پرتاب سنگ است و یکی از مجازات‌هایی است که منجر به سلب حیات شخص می‌شود. رجم یا سنگسار یک مجازات حدی است که برای جرم زنا، محصنه تعیین می‌شود. اعمال این جرم در خصوص مرد و زن زناکار تحت شرایط خاص قابلیت اجرایی دارد. تنها مصداقی که شامل مجازات رجم می‌شود زنا، محصن و محصنه می‌باشد. سنگسار یکی از احکام اسلامیست و این سند حکمی تنها محدود به قرآن نیست، پس جهت اثبات یا نفی حکم سنگسار نمی‌توان به قرآن بسنده کرد (عشایری منفرد، ۱۳۹۳).

به طور کلی آیات مرتبط به زنا در قرآن بیان شده است. خداوند در آیه ۱۵ سوره مبارکه نساء درباره زناکار می‌فرماید؛ که زنان زناکار باید در خانه حبس شوند تا مرگشان فرا رسد. همچنین در آیه ۱۶ سوره مبارکه نساء مجازات مردان زناکار را بیان می‌کند. حکم سنگسار در همه مکتب‌های اسلامی و فقهی مورد تایید قرار گرفته است. امیرالمومنین علیه السلام در خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه می‌فرماید: «وَقَدْ عَلِمْتَهُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجَمَ الزَّانِيَ الْمُحْصَنَ؛ می‌دانید که رسول خدا زناکار همسردار را سنگسار کرد». مجازات رجم از مجازات‌های منصوص شرعی است که فقها بر مشروعیت آن اتفاق نظر دارند. رجم، از زمره مجازات‌هایی که نوع و میزان آن در شرع مقدس تعیین شده است و عمده کتب و مقالات نگاشته شده اغلب حاکی از مشروع بودن مجازات رجم و اجرای آن است.

۴- صلب

صلب در لغت به معنای بردار کشیدن و نوع کیفر است که برای برخی گناهان در نظر گرفته شده است. در مجازات صلب که نوعی سلب حیات محسوب می‌شود، مجرم در مدت مشخصی به صلیب کشیده می‌شود و از خوردن و آشامیدن محروم می‌شود، چنانچه پس از سه روز زنده بماند، باید او را پایین آورد و آزاد کرد و نمی‌توان او را کشت. یکی از مجازات‌های

^۲ وَاللَّاتِي يَأْتِيَنَّ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ أَرْبَعَةً مِنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّى يَتَوَفَّاهِنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا

^۳ وَاللَّذَانِ يَأْتِيَانِيَا مِنْكُمْ فَأَذَوْهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا

جرم محاربه صلب است که قاضی مخیر است مجازات صلب را برای جرم محاربه در نظر بگیرد و گاهاً دیده شده برای جرم مذکور به جای صلب، مجازات اعدام، نفی بلد یا قطع دست راست و پای چپ تعیین می‌شود. با توجه به شرایط اجرای مجازات صلب که برای جرم محاربه وضع شده است، این چنین در ذهن تداعی می‌شود که جرم محاربه از جرایم بسیار سنگین در قانون است. مجازات صلب یکی از مجازات‌های مطرح شده در فقه و حقوق اسلامی است. در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی در خصوص جرم محاربه تصریح می‌دارد که محاربه جرمی است توأم با کشیدن سلاح به روی مردم به قصد ترساندن و ایجاد ناامنی در محیط. بنابراین جرم مصرحه، دارای مجازات می‌باشد که یکی از مجازات‌های آن صلب است که مقام قضایی با توجه به کیفیت جرم ارتكابی و شدت آن می‌تواند حکم صلب را صادر کند.

مرجع صلاحیت‌دار

بر اساس قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۸۱ رسیدگی به کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، محاربه و افساد فی الارض در صلاحیت دادگاه انقلاب بوده و از طرفی مطابق ماده ۴ و تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون اصلاحی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، رسیدگی به جرایمی که مجازات آنها قصاص نفس، قصاص عضو، رجم، اعدام و همچنین جرایم مطبوعاتی در صلاحیت دادگاه کیفری استان می‌باشد و اصل بر قطعی بودن آراست.

جهت تحقق جرم محاربه، باید بدو جرم مذکور اثبات شود و بر اساس شک و شبهه نمی‌توان کسی را بعنوان محارب محکوم کرد. بنابراین جهت اثبات این جرم بزهدار باید یک بار اقرار کند به شرط آنکه بالغ و عاقل باشد و اقرار او با قصد و اختیار باشد و یا دو مرد عادل شهادت دهند تا سبب اثبات جرم محاربه شود. نتیجتاً باید بزهدار مرتکب جرم محاربه شود و این جرم با توجه به شرایط مذکور ثابت شود. قاضی تکلیفی به صدور حکم صلب برای مجرم ندارد، چرا که علاوه بر مجازات صلب مجازات‌های دیگری نظیر اعدام، نفی بلد، قطع دست راست و پای چپ وضع شده است.

نتیجه‌گیری

پیشگیری از وقوع جرایم بهتر از کیفر و تعیین مجازات است. بنابراین باید با ایجاد فرهنگ‌سازی، ارتقای سطح علمی، دانش اجتماعی و آگاهی دادن به مردم از وقوع جرم در جامعه جلوگیری کرد یا وقوع جرم را به حداقل رساند. مجازات سلب حیات در گذشته در بسیاری از جوامع قابلیت اجرایی داشت، امروزه اکثر جوامع این شیوه مجازات را حذف یا اجرای آن را به حداقل رساندند. از طرفی فشار افکار عمومی، میزان نارضایتی، عواقب سنگین این مجازات برای بازماندگان در کاهش صدور مجازات‌های سلب حیات دخیل بوده است. بدین سان در اجرای مجازات‌ها باید تناسب مجازات با جرم ارتكابی رعایت شود. چرا که حق زندگی مورد احترام است و باید مورد حفاظت قرار گیرد. لکن از سوی دیگر و با توجه به اینکه قانون مجازات اسلامی برخاسته از فقه و مبانی اسلامی است، با توجه به دستورات صریح قرآن و اجماع فقهای برجسته امامیه، مجازات‌های سالب حیات در قانون مجازات اسلامی کما فی السابق برقرار است و از آنجا که شارع مقدس همواره صلاح فردی و اجتماعی انسان‌ها را معیار وضع و تشریح قرار داده است، لذا ادامه روند فعلی نسبت به حذف کامل مجازات‌های سالب حیات، موثرتر خواهد بود.

منابع

- آل طاها، سید حسین و آقایی جنت مکان، حسین و بشیری، عارف (۱۳۹۹)، «ضمان در صدور و اجرای احکام منجر به سلب حیات»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۱، ۱-۲۲
- جباری، مصطفی و امیری، جلیل (۱۳۹۵)، «عدول از قصاص نفس و مصالحه بر قصاص عضو در قتل عمد»، نشریه مطالعات حقوقی علوم اجتماعی و انسانی، دوره ۸، شماره ۳
- حیدری، محمد علی و فاطمی خواه، اکبر و توکلی، احمدرضا (۱۴۰۱)، «حق حیات و سلب آن از منظر اسلام و حقوق بین الملل»، مجله حقوق پزشکی، دوره ۱۶، شماره ویژه نامه تحولات حقوقی، ۱-۱۷
- عشایری منفرد، محمد (۱۳۹۳)، «باز پژوهی مجازات رجم در قرآن»، نشریه قرآن فقه و حقوق اسلامی، سال اول، شماره ۱، ۱۳۷-۱۶۶
- مرادی زاده، کیوان (۱۳۹۹)، «ارتباط حقوقی و جزایی اعدام با مسائل حقوقی»، فصلنامه بین المللی قانون یار، دوره ۴، شماره ۱۴، ۳۴۱-۳۶۴
- مزروعی، رسول (۱۳۹۲)، «گفتاری در عقلانیت قصاص»، فقه اهل بیت، دوره ۱۹، شماره ۷۵ و ۷۴، ۲۴-۸۶
- ملکیان، روح الله (۱۳۸۹)، «قصاص در قرآن کریم»، فقه اهل بیت، سال شانزدهم، شماره ۶۳ و ۶۴، ۴۰-۸۳